

## فرهنگ فارسی - عربی



بهمن خلیفه

\* فرهنگ فارسی - عربی.

\* عنایت‌الله فاتحی نژاد.

\* فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۷.

نمی‌توان و نباید انتظار داشت که همه نیازهای مراجعه‌کنندگان به این فرهنگ را برآورد و او را از مراجعه به فرهنگ‌های دیگر (یک‌زبانه و دوزبانه) بی‌نیاز نماید؛ چنان که فرهنگ‌های فارسی - عربی تألیف‌شده پیش از این فرهنگ توسط استادان ایرانی نیز در چنین مقامی ایستاده‌اند؛ مثلاً از معروف‌ترین این واژه‌نامه‌های فارسی - عربی، فرهنگ اصطلاحات روز دکتر آیت‌الله‌زاده شیرازی، یا فرهنگ فرزنان دکتر طیبیان را می‌توان نام برد. روشن است که فرهنگ فارسی - عربی هیچ‌گاه جای فرهنگ‌های یک‌زبانه عربی به عربی را نخواهد گرفت و معادل‌یابی بسیاری از واژه‌ها عمدتاً بر عهده خود استفاده‌کننده، بر اساس تسلط او به زبان عربی و از آن مهم‌تر، زبان فارسی خواهد بود که با توجه به متن و جایگاه واژه در یک متن خاص، لایه‌های متفاوت معنایی یک واژه بروز می‌کند و مسائلی تعیین‌کننده، از جمله «لحن»، در انتخاب معادل مؤثر می‌افتد.

اما فارغ از این مسائل، که مجال دیگری می‌طلبد، وجود واژه‌نامه‌های فارسی - عربی برای مترجمان، به‌ویژه مترجمان متون فارسی به عربی، بسیار راهگشاست. مؤلف محترم، چنان که خود در مقدمه کتاب اشاره کرده است،

ضرورت ارتباط متقابل زبان‌ها و فرهنگ‌های زنده و پویا در جهان امروز، تهیه واژه‌نامه‌های دوزبانه را ایجاب می‌کند. زبان فارسی و عربی از جمله زبان‌هایی هستند که تبادل فرهنگی آنها اگرچه به سبب همجواری، به پیش از ظهور اسلام نیز می‌رسد، اما روشن است که این ارتباط، به‌ویژه پس از ظهور اسلام و فتح سرزمین‌های ایران توسط اعراب و آغاز حکمرانی حکومتگران عرب در این سرزمین و شکل‌گیری محافل و مجامع علمی در قرون بعد، شکلی گسترده‌تر به خود گرفت. با نگاهی گذرا به تاریخ مطالعات زبانی در زبان عربی، آشکار می‌شود که ایرانیان از نخستین کسانی بودند که در این مطالعات پیشقدم بوده‌اند؛ چه در حوزه علوم بلاغی و چه در حوزه دستور زبان (صرف و نحو) و آواشناسی و تدوین واژه‌نامه برای زبان عربی.

موضوع صحبت ما در این گفتار مختصر، فرهنگ فارسی - عربی، تألیف جناب آقای عنایت‌الله فاتحی‌نژاد است. این فرهنگ لغت شامل حدود ۱۵ هزار مدخل اصلی و فرعی است که معادل عربی واژه‌ها، ترکیبات وصفی و اضافی، اصطلاحات و تعبیرات خاص و ضرب‌المثل‌های فارسی را به خواننده عرضه کرده است. با این توضیح، آشکار است که از کتابی در این حجم و با این تعداد واژه

در تدوین این فرهنگ از منابع متعددی استفاده کرده و از آنها سود جسته است: ۱. فرهنگ‌های عربی - عربی: که در رأس همه، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة است، که به راستی در نوع خود بی‌نظیر است و در استخراج مثال‌ها از آن بسیار سود جسته‌ام. همچنین المنجد فی اللغة، تألیف لویس معلوف، رائد الطلاب جبران مسعود، القاموس العصری، تألیف الیاس انطوان الیاس، از منابع ارزشمند در تألیف این فرهنگ بوده‌اند.

۲. فرهنگ‌های عربی - فارسی: فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تألیف عبدالنبی قیّم، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تألیف دکتر آذرتاش آذرنوش، فرهنگ نوین، به اهتمام سیدمصطفی طباطبایی، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان، فرهنگ اصطلاحات معاصر، تألیف نجفعلی میرزایی و نیز فرهنگ انتشارات فرزانه، تألیف پرویز اتابکی در بسیاری موارد راهگشای حقیر بوده‌اند.

۳. فرهنگ‌های فارسی - عربی: به‌ویژه از فرهنگ اصطلاحات روز، تألیف مرحوم دکتر آیت‌الله‌زاده شیرازی و دکتر غفرانی، همچنین از الواعد، تألیف عبدالوهاب علوب و نیز فرهنگ فرزانه، تألیف دکتر حمید طیبیان بهره‌افر برده‌ام. ضمناً از قاموس المورد عربی - انگلیسی و نیز انگلیسی - عربی استفاده فراوان کرده‌ام. ۴. علاوه بر کتاب‌های لغت، از آثار نویسندگان معاصر عرب، از قبیل طه حسین، نجیب محفوظ، جبران خلیل جبران ... و نیز نشریات روز عربی و سایت‌های اینترنتی بیشترین استفاده را برده‌ام. پر واضح است که واژگان و اصطلاحات بسیاری در زمینه‌های گوناگون، اعم از سیاسی، علمی و فنی در سال‌های اخیر وارد زبان عربی شده که در فرهنگ‌های لغت نیامده است. این‌گونه واژه‌ها و اصطلاحات، به مدد نشریات عربی و سایت‌های اینترنتی استخراج و سپس در فارسی معادل‌گزینی شده است» (مقدمه: شانزده).

در مروری اجمالی بر کتاب، چند نکته برای نگارنده جلب توجه کرد که یادآوری آنها خالی از فایده نیست:

۱. تفکیک معانی مختلف یک واژه با شماره، که در یافتن حوزه کاربرد و مورد نیاز کاربر در کمترین زمان، بسیار مفید و ضروری است.

۲. وجود برخی از واژه‌های جدید اروپایی که در فرهنگ‌های معمول عربی به عربی به ندرت یافت می‌شوند؛ از جمله: دانلود، اینج و ...

۳. اعراب‌گذاری معادل‌های ارائه‌شده و حتی جملات شاهد و مثال، که به‌ویژه مؤلف را از آوردن تلفظ واژه‌های اصلی با حروف آوانگار لاتین بی‌نیاز کرده است.

۴. آوردن مثال برای بسیاری از لغات و ترجمه کامل جملات که برای درک بهتر و روشن شدن توضیح ارائه شده بسیار

راهگشاست.

۵. آوردن برخی «نکته‌های کاربردی» که در روشن کردن موارد مبهم و دشوار در ترجمه بسیار مفید است. از جمله مواردی که مؤلف محترم در مقدمه نیز بدان اشاره کرد:

«نکته کاربردی: برای ساختن مضارع ملموس در عربی گاهی می‌توان از اسم فاعل به جای فعل مضارع استفاده کرد و یا یکی از فعل‌های شروع عربی، مانند: أَخَذَ، جَعَلَ، أَثْنَأُ و ... و نیز فعل‌هایی چون أَصْبَحَ، صَارَ، عَادَ را قبل از فعل مضارع قرار داد، مانند: استاد دارد به کتابخانه می‌رود: إِنَّ الْأُسْتَاذَ ذَاهِبٌ إِلَى الْمَكْتَبَةِ / أَخَذَ الْأُسْتَاذُ يَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ» (مقدمه: پانزده)

۶. آوردن معانی ثانوی برخی لغات.

۷. آوردن نام‌های جغرافیایی در انتهای فرهنگ.

و موارد دیگر که از محاسن کتاب به شمار می‌روند و کتاب را در زمره کتاب‌های مفید و سودمند و قابل اعتماد قرار داده‌اند.

اما در همان نظر اول، نکته‌ای به نظر نگارنده رسید که شاید یادآوری آن برای مؤلف محترم، ضرورت تجدیدنظر و بازبینی در بخش‌هایی از فرهنگ حاضر را ایجاب نماید:

۱. در همان صفحه اول، ذیل «زیر مدخل»‌های «آب»، مواردی به عنوان عنوان فرعی ذکر شده‌است؛ مانند: آب انار (عَصِيرُ الرُّمَانِ)، آب انگور (شَرَابُ الْعِنَبِ، عَصِيرُ الْعِنَبِ)، آب پرتقال (عَصِيرُ الْبُرْتَقَالِ)، آب غوره (عَصِيرُ الْحِضْرَمِ)، آب میوه (عَصِيرُ الْفَوَاكِه)، آب هویج (عَصِيرُ الْجَزْرِ). در این باب، دو نکته وجود دارد: الف. ضرورت تکرار همه میوه‌ها پس از «آب»، به نظر می‌رسد زائد باشد؛ چون ساخت همه آنها یکی است و با ذکر عنوان کلی آب‌میوه (عَصِيرُ الْفَوَاكِه)، از تکرار موارد دیگر رفع نیاز می‌شود. ترجمه انار و انگور و پرتقال و غوره و هویج و ... نیز در جای خودشان در همین فرهنگ آمده است و نیازی به تکرار یک یک موارد ذیل کلمه «آب» نیست.

ب. همین ساخت در سه صفحه بعد، به صورت مدخلی مستقل درباره میوه‌های دیگر آمده است: «آب لیمو: عَصِيرُ اللَّيْمُونِ».

ملاک قرار گرفتن «آب لیمو» به عنوان مدخلی مستقل در صفحه ۴ و قرار گرفتن «آب هویج» و ... به عنوان عنوانی فرعی و «زیر مدخل» در ذیل کلمه «آب» در صفحه ۱، بر بنده پوشیده است.

\*\*\*

به طور کلی، فرهنگ حاضر مرجعی مفید برای پژوهشگران و مترجمان متون فارسی به عربی به شمار می‌رود و نگارنده آن را از گام‌های نخست تدوین یک فرهنگ تقریباً جامع فارسی - عربی تلقی می‌کند و همچنان که مؤلف محترم نیز در مقدمه کتاب اشاره کرده است، این کار از عهده یک نفر ساخته نیست و تلاشی گروهی با امکانات و شرایط لازم را طلب می‌کند.